

امروز شما

فرودین: امروز، شما دلتان می خواهد با گذشته خود ارتباط برقرار کنید و به همین خاطر هم ترجیح می دهید با دوستان قدیمتان ارتباط برقرار کرده و یا به محل بچگی هایتان سری بزنید.

اردیبهشت: اگر شما به خاطر عشق و محبت و توجه زیادی که برخی از اطرافیانان به شما تاز می کنند نگران هستید، احساس نکنید که باید حتماً با ابراز عشق و علاقه بیش از اندازه، این کار آنها را جبران کنید.

خرداد: اکنون زمان مناسبی برای اینکه بخواهید تعهد خود را نسبت به رابطه عاطفیتان بیشتر و جدی تر کنید نیست. شما این اواخر از وضعیت موجود زیاد راضی نبوده اید و ممکن است که ویژگی های شخصیتی طرف مقابلتان دلیل اصلی این احساس ناراضیاتی شما باشد.

تیر: شما طی ماه گذشته به مشکلاتی که در روابط عاطفیتان وجود دارد رسیدگی نکرده اید و اکنون زمان آن فرا رسیده است که یک بار دیگر به طور جدی همه چیز را بررسی کرده و به مسائل و مشکلات موجود فکر کرده و راه حلی برای آنها پیدا کنید.

مرداد: شما امروز برخی احساسات خود را مورد سؤال قرار داده اید. آیا این را می دانستید که بیشتر مردم در یک تله مشترک گرفتار می شوند که آن هم احساس نزدیکی بیش از حد نسبت به شریک زندگیشان است، به طوری که این احساس باعث می شود خودشان را فراموش کنند؟ امروز شما نیاز دارید که به این موضوع و اینکه چطور این مسئله، زندگیتان را تحت تأثیر قرار می دهد، فکر کنید.

شهریور: هیچ چیزی نمی تواند شعله های آتش شور و هیجانی که شما را در خود گرفته است، خاموش کند و شما به سختی می توانید به بدن خود استراحت داده و یک لحظه در یک جا ساکن شوید.

مهر: شاید دیگران این را خیلی خوب بدانند که شما تا چه حد به مهر و محبت دیگران و دوست داشته شدن نیاز دارید، اما خود شما هرگز این واقعیت را برای دیگران یا حتی برای خودتان هم اعتراف نمی کنید.

آبان: اینکه در روابط خود رفتاری انعطاف ناپذیر داشته باشید، اصلاً برای شما مهم نیست و باعث نگرانیان نمی شود، اما اگر راستش را بخواهید، این رفتار شما می تواند مشکلات بسیاری را در رابطه شما ایجاد کند.

آذر: شما امروز اصلاً در کارها و افکارتان دقت ندارید و از نظراتان هر چیزی امکان پذیر و محتمل است. شما فکر می کنید اصل ماجرا نسبت به جزئیات آن، از اهمیت خیلی بیشتری برخوردار است.

دی: اکنون زمان خوبی برای اینکه بخواهید تصمیمات مهمی در مورد رابطه عاطفی خود بگیرید، نیست.

بهمن: امروز شما احساس می کنید که انگار یک چیزی جلویان را گرفته و مانع پیشرفتتان می شود. همه چیز تا همین امروز داشت خوب پیش می رفت، چرا ناگهان اوضاع به این صورت درآمده است؟

اسفند: شما در زندگی شخصی خود به دنبال برخی ارزش ها و باورهای تازه هستید. روابط پیش پا افتاده و سطحی، دیگر شما را به خود جذب نمی کنند و همین باعث شده است احساس کنید نیاز دارید که با افراد مختلف ارتباط برقرار کرده و دوستان تازه ای برای خود پیدا کنید.

گفت و گو با مهران رجبی در خصوص حضور فعالش در اینستاگرام فحاشان مجازی را نصیحت می کنم

مهران رجبی بی تکلف است، چه وقتی مقابل دوربین و در قالب نقش ظاهر می شود و چه وقتی در زندگی واقعی یا از طریق رسانه ها با طرفدارانش ارتباط می گیرد. او با همین روحیه وارد دنیای مجازی شد و صفحه ای راه اندازی کرد که شنیدن ماجراهایش خالی از لطف نیست، بخصوص با لحن طنزآمیز و روایت صادقانه ای که همیشه از مهران رجبی سراغ داشته ایم.

آقای رجبی، چه برداشتی از فضای مجازی دارید؟ چه چیزی در این فضا نظر شما را به خودش جلب کرده است؟

فضای مجازی محسوساتی دارد که نمی توان از آن غافل شد. در این فضا ارتباطات ساده و گسترده است؛ من می توانم از یک روستا، عکس هایی را با دوستانم در سراسر دنیا به اشتراک بگذارم یا مثلاً در یک لحظه می توانم عکس غذایی را که می خورم با هم به اشتراک بگذارم و احساس کنیم که دور یک سفره نشسته ایم. این که من می توانم با رفقای ۳۰ ساله ام در هر کجای ایران یا جهان چنین ارتباطی برقرار کنم، به برکت فضای مجازی است. من از این امکانات و قابلیت های فضای مجازی لذت می برم، هر چند می دانم هر پدیده ای تبعات منفی هم دارد و هر قدر وسیع تر بوده و کاربران بیشتری داشته باشد، به همان اندازه گرفتاری های بیشتری هم دارد.

این گرفتاری ها ناشی از چیست؟

این که مردم بسادگی با هم ارتباط برقرار می کنند خوب است، اما همین نکته احتمال تلخ شدن ارتباطات را به همراه دارد. در فضای مجازی اگر کسی بخواهد به دیگری توهین کند، براحتی می تواند پشت یک نقاب پنهان شود و کارش را بکند، چون این امکان وجود دارد که آدم ها به طور مخفیانه کارهایی بکنند. البته فضای مجازی به همین نسبت می تواند جایی باشد برای استفاده به نحو احسن و پیشبرد اهداف خیرخواهانه.

چرا از این تمام شبکه های اجتماعی، در اینستاگرام فعال هستید؟

من هیچ وقت در فیس بوک یا دیگر شبکه های اجتماعی که قبل از اینستاگرام وجود داشتند، فعالیت نمی کردم و صفحه ای نداشتم تا این که بتدریج دیدم در اینستاگرام، صفحاتی به نام من درست شده و مطالبی از طرف من می نویسند. به توصیه دوستان بنا شد صفحه ای داشته باشم که مردم بدانند صفحات قبلی، اصل نیستند و اگر دوست داشتند کارهای مرا دنبال کنند، صفحه خود را ببینند و مطمئن باشند که اطلاعات این صفحه اصل است.

صفحه را خودتان مدیریت می کنید؟

بله. هرازگاهی مطلبی که فکر می کنم مناسب است و به درد مخاطب می خورد، منتشر می کنم. دوست ندارم مثل برخی دوستان که به آنها خرده می گیرم، درباره هر چیزی گزارش لحظه ای منتشر

کنم که مثلاً من فلان جا هستم، یا ما داریم فلان کار را می کنیم.



یعنی دقیقاً چطور این کار را کرده اید؟

آخرین بار فردی توهین خیلی بدی کرد، برایش جوابی نوشتم که اگر فهمید باشد یا حتی اگر بعدها فهمید بشود و درک کند، یک عمر شرمند رفتارش خواهد بود. نوشتم: «هنریم من که شما را نمی شناسم ولی شما حتماً مرا می شناسید؛ از بزرگی شنیدم توهین بی مورد به افراد از علامت های نطفه حرام است. شما مرا می شناسید و یک عمر هر وقت مرا ببینی یا اسمم را بشنوی یاد این جمله خواهی افتاد و این که چرا با خودت این کار را کرده ای.»

فضای مجازی چه تأثیرات یا چه تغییراتی به دنبال دارد؟

من به مردم حق می دهم که پیگیر کارها و تفکرات آدم های معروف و مورد نظرشان باشند. مثلاً برای خود من جالب است بدانم که آقای ظریف کجاست؟ چه برنامه ای دارد؟ چه مطلبی را توهین مطرح می کنند. به هر حال در خلاصی روح های پاک هست لروح های تیره و گل ناک هست! همه آدم ها خوب و درست و پاک نیستند. از آنجا که شما سیاسی نیستید، نباید تعداد توهین ها زیاد باشد!

شما به همه سؤال ها جواب می دهید؟

سعی می کنم، اما گاهی تعداد سوالها آنقدر زیاد است که نمی توان به آنها پاسخ داد. گاهی فکر می کنم یک پاسخ کلی به دوستان بدهم، اما همان هم کار ساده ای نیست. خیلی ها مراجعه می کنند و می پرسند چطور می توانم با دیگر شوخ شوم. حداقل روزانه ۳۰ نفر مراجعه می کنند و همه هم توضیح می خواهند. جواب دادن به تمام این افراد کار خیلی سختی است. پرسش ها طوری نیست که بخواهی یک پاسخ را برای همه بفرستی. حتی اگر این کار را بکنم، آنها از جوابم، سوال های دیگری به ذهنشان می رسد و ماجرا سخت تر می شود تا جایی که دیگر نمی شود کاری کرد. گاهی شروع می کنم به جواب دادن اما یکباره خسته می شوم و رها می کنم؛ برخی هم دلخور می شوند و متعاقباً این دست حرف ها.

به نظر می رسد این فضا قواعد خودش را دارد و نمی توان پاسخگوئی تک تک افراد بود!

بله. عکسی از گریم آخرین نقشم منتشر کردم و پرسیدم که شبیه کدام بزرگوار شده ام. گفته بودم اگر درست جواب بدهید لایک می شوید. بیشتر از ۶۰۰۰ نفر جواب داده اند و حالا مانده ام که چطور ۶۰۰۰ نفر را لایک کنم! الان واقعاً نمی دانم چه باید بکنم! راستش خیلی هم در این ماجرا وارد نیستم.

خواندنی

رهبر کره شمالی به چه کسی گولی داد



نظامی در شرح این تصویر گفت: به نظر می رسد فردی که کیم جونگ-اون بر کوش سوار کرده یک نظامی میان رتبه و عضو نیروهای استراتژیک کره شمالی است. این نیروها مسئولیت پایگاه های پرتاب موشک های جنگی را بر عهده دارند. جی چهون لیما، استاد دانشگاه ستول نیز در این باره گفت: رهبر کره شمالی از طریق این تصویر درصدد معرفی خود به عنوان یک رهبر ساده و دوست دار مردم است و رهبری خشن و سخت گیر نیست. این تصویر همچنین نشان می دهد که رهبر کره شمالی در کشورش احساس امنیت می کند.

اعتیاد عجیب پیر مرد ترکی ای

پیرمرد ترکی ای ۵۹ سال است به چیزی اعتیاد دارد که باور نمی کنید! به گزارش جام جسم آنلاین به نقل از باشگاه خبرنگاران، هزاران ماده سمی در یک نخ سیگار وجود دارد که می تواند بیساری هایی همچون مشکلات قلبی عروقی، انواع سرطان ها، پوسیدگی دندان ها، آب مروارید، نابرووری، سقط علیرضا کاران ضمن توصیه به مصرف گل های خوشبو به جای دخانیات، به افراد سیگاری عنوان کرد که تا آخر عمرش این کار را ادامه خواهد داد و از عادت عجیبش دست بر نخواهد داشت.



گفت و گو با السا فیروز آذر

هیچ وقت برای ادامه تحصیل دیر نیست

السا فیروز آذر از بازیگران سینمای کشورمان اخیراً به عرصه تئاتر هم ورود کرده است. او بعد از سال ها تصمیم گرفت دانشگاه را در رشته ای که دوست داشت، ادامه دهد و حالا دوست دارد باز هم ادامه تحصیل دهد.

با او درباره حال و هوای این روزهایش گفت و گویی انجام دادیم که در ادامه می خوانید.

این روزها مشغول چه کارهایی هستید؟

مشغول کاری در تئاتر هستیم که در تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه می رود. کاری است از خانم نغمه تمینی به اسم «خواب در فنجان خالی» که واسط تمرین آن هستیم و از اول تیر اجرا می شود. قبل از این هم مشغول کار در تئاتر دیگری بودم که در سالن قشقایی تئاتر شهر روی صحنه رفت. کاری بود به اسم «مانوس» که راجع به پناهندگان استرالیا بود.

شما اخیراً وارد تئاتر شدید؟ چون قبلاً فقط در سینما نقش آفرینی می کردید.

بله، این دومین کار من در تئاتر است. البته سه سال درگیر کارهای تئاتر بودم. چطور شد جذب تئاتر شدید؟

از نگاه دوربین

وقتی حیوانات یاری گر یکدیگر می شوند، ما انسان ها



متأسفانه فقط پژوهش هنر داشت. من دوست داشتم فلسفه هنر بروم، اما برای هنری ها این راه باز نبود و فقط دانشجویان فلسفه می توانستند بروند.

پس شما در ۲۴ سالگی فکر می کنید برای ادامه تحصیل هیچ وقت دیر نیست؟

اصلاً. اتفاقاً از یک سنی به بعد درس خواندن لذت دیگری دارد. در دوران دبیرستان آدم شیطنت دارد. من خودم آن زمان خیلی روی درس خواندن فوکوس نبودم. اما الان می دانم چرا دارم درس می خوانم. از سوی دیگر هر چه به مقاطع بالاتر می روی، درسی های نامربوط و غیرمتناسب ندراید که مثلاً ناچار باشید دروس عمومی بخوانید. مثلاً در همین دو سال مقطع ارشد، متناسب با علاقه ام دارم درس می خوانم و این طوری خیلی لذت بخش است.

به جز درس و بازیگری، اوقات فراغت خود را چطور می گذرانید؟

از ۱۸ سالگی اوقات فراغت و کارم یکی شده. دوستانی دارم که با هم فیلم می بینیم. تفریحاتم حول و حوش سینما و تئاتر است. کتاب هم می خوانم. خیالم هم راحت است که کارم را انجام می دهم.

به خاطر ادامه تحصیل در رشته ادبیات نمایشی، این اتفاق افتاد. جو دانشگاه طوری بود که در جشنواره های دانشجویی شرکت می کردم.

شما کارشناسی معماری خوانده بودید. در مقطع کارشناسی ارشد چه رشته ای می خوانید؟

بله، برای ارشد، ادبیات نمایشی می خوانم و این باعث شد وارد فضای تئاتر شوم و بعد هم با گروه سولو آشنا شدم.

مدرک کارشناسی ارشد را گرفتید؟

یک ماه دیگر از پایان نامه ام دفاع می کنم. اصلاً چطور شد ادامه تحصیل دادید؟

مطالعه ام راجع به سینما و تاریخ هنر زیاد بود و خیلی دوست داشتم آن را دنبال کنم. چون دروس مشترکی هم بین این رشته ها وجود دارد. آقای رضا رشیدپور به من پیشنهاد کرد تاریخ هنر تدریس کنم. چهار سال در دفترشان تدریس می کردم. سال دوم گفتم چرا ادامه تحصیل نمی دهم و از همان زمان تحصیل را ادامه دادم. الان گروه سولو تدریس می کنم. البته برای دکترام هم شرکت کردم.

در چه رشته ای؟